

موانع و تنگناهای تولید در اقتصاد ایران

تدوین: برگرفته از گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

چکیده

این مقاله خلاصه ای از گزارش ۷۲۸ صفحه ای است که توسط گروهی از کارشناسان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، با عنوان موانع و تنگناهای تولید در اقتصاد ایران، تهیه و تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی:

تولید، تولید ناخالص داخلی، نیروی انسانی، سرمایه گذاری، بازار کار، بهره وری، عوامل تولید، فضای کسب و کار، تامین مالی.

مقدمه

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه، یکی از جوان ترین جمعیت‌های جهان را دارا می‌باشد، اما علی رغم برخورداری از درآمد سرشار نفت و رشد مداوم سالانه اقتصادی، فرصت‌های شغلی موجود پاسخگوی نیاز روز افزون جمعیت جوان جویای کار نبوده، و معضل بیکاری به چالش عمده اقتصاد کشور تبدیل شده است. جهت رفع این معضلات هیچ راهکاری جز بهبود وضعیت تولید و سرمایه گذاری وجود ندارد. فرایند سرمایه‌گذاری در ایران، به دلایل مختلف با موانع و نوسانات شدید- به خصوص در سال‌های پس از انقلاب - روبرو بوده است. تداوم این روند موجب گردیده تا کشور به لحاظ شاخص‌های اندازه‌گیری ریسک سرمایه‌گذاری، شرایط مناسب و مطلوبی نداشته باشد. شکل‌گیری چنین وضعیتی، محصول وجود موانع متعدد، در مقابل فرایند سرمایه‌گذاری است.

به منظور رفع معضلات تولید و سرمایه‌گذاری، مطالعات متعددی صورت گرفته و راهکارهای مختلفی به اجرا درآمده است. در این راستا بانک مرکزی، برنامه‌ای مطالعاتی را به منظور شناخت موانع و معضلات فراروی بخش واقعی اقتصاد کشور- به عنوان موتور محرک رشد- در دستور کار خود قرار داده است. در اولین بخش این طرح تحقیقاتی؛ ابعاد مختلف فعالیت بخش‌های تولیدی اقتصاد، نظیر وضعیت نیروی کار و بهره‌وری عوامل تولید، فناوری، نحوه تامین مالی، ریسک‌های کلان و فضای کسب و کار، بررسی گردیده است. بر اساس نتایج این طرح پژوهشی، مهم ترین عواملی که موجب کندی یا عدم پیشرفت در هر بخش می‌شوند؛ شناسایی شده، و راهکارهای رفع معضلات موجود ازایه گردیده است. در این گزارش نتایج طرح مطالعاتی مذکور به صورت اجمال ارائه می‌گردد.

نظم‌های آماری بخش واقعی در اقتصاد ایران

بسیاری از موانع و معضلات بخش واقعی اقتصاد، به ساختار هزینه‌ای بنگاه‌های تولیدی، و عدم وجود کارایی و بهره‌وری در نیروی انسانی، سرمایه و تکنولوژی، و عدم تناسب فعالیت‌های تولیدی با بخش خدمات مرتبط است.

همچنین، عدم تعادل در حوزه‌های پولی، مالی و ارزی، و نیز، عدم وجود بازارهای سرمایه قوی که موجب هدایت پس اندازهای جامعه در جهت فعالیت‌های تولیدی و مولد شود، در بروز معضلات بخش واقعی مؤثر هستند. علاوه بر این، بسیاری از تنش‌های سیاسی در روابط خارجی و همچنین شوک‌های بین‌المللی نظیر نوسانات جهانی قیمت نفت، و تغییر قیمت کالاهای صادراتی و مواد اولیه، از عوامل تأثیرگذار بر فرآیند تولید در کشور می‌باشند؛ که می‌بایست در شناسایی معضلات بخش واقعی، مطرح نظر قرار گیرند. این گزارش با استفاده از اطلاعات سالانه ۸۵-۱۳۶۸ اداره حساب‌های اقتصادی، به بررسی متغیرهای کلان بخش واقعی، پرداخته است.

- ۱- بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی و مقایسه آن با کشورهای حوزه سند چشم‌انداز، مبین وضعیت نامطلوب اغلب شاخص‌ها، به ویژه رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و تورم در ایران می‌باشد.
- ۲- در سال‌های مورد بررسی، متوسط رشد اقتصادی ۵/۲ درصد بوده؛ که در مقایسه با متوسط رشد کشورهای منطقه در سطح پایین؛ و دچار نوسان و بی‌ثباتی شدید بوده است.
- ۳- معضلات ساختاری بخش واقعی و مولد، و عدم ارتقاء تکنولوژی و بهره‌وری در این بخش، عوامل اصلی در کندی فرایند رشد می‌باشند. در این میان، نوسانات بخش‌های پولی و ارزی، و بی‌انضباطی مالی دولت، که عمدتاً ناشی از درآمدهای سرشار و پرنوسان نفت می‌باشد نیز در بی‌ثباتی رشد اقتصادی مؤثر بوده است.
- ۴- عدم تناسب ظرفیت‌های تولید با زیرساخت‌ها، و ناهمگونی سرعت آزادسازی متغیرهای کلان با اصلاحات صورت گرفته در بخش قوانین و مقررات، و تحولات زیرساختی، و نیز فشار تقاضای ناشی از تزریق منابع مالی حاصل از درآمد نفت به اقتصاد، از دلایل بالاتر بودن تولید بالفعل از تولید بالقوه بوده است.
- ۵- افزایش ۲/۵ برابری سهم بخش نفت طی برنامه‌های توسعه، موجب کاهش

- سه‌م سایر بخش‌ها شده است. در این میان، کاهش سه‌م بخش‌های کشاورزی و صنایع و معادن (بخش‌های مولد و تولیدی) بیشتر بوده؛ که نشانگر وجود ساختارهای نامناسب در بخش تولید کشور می‌باشد.
- ۶- علی‌رغم حمایت‌های ارزی و ریالی صورت گرفته از بخش صنایع و معادن، و افزایش سه‌م آن از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کل، کاهش سه‌م این بخش از ارزش افزوده محل تامل بوده؛ و بیانگر مشکلات ساختاری در بخش مذکور می‌باشد.
- ۷- در بخش کشاورزی به دلیل خرد بودن زمین‌ها و عدم یکپارچه‌سازی آن، امکان مکانیزاسیون در سطح وسیع، و استفاده از سیستم‌های آبیاری نوین فراهم نبوده؛ لذا، تحول ساختاری و تکنولوژیکی در این بخش بوجود نیامده است؛ و نیز به دلیل بروز پدیده خشکسالی، رشد روند تولید محدود بوده است.
- ۸- سیکل تولید و هزینه ناخالص داخلی، و اغلب اجزای آن در سال‌های برنامه اول و تا حدودی برنامه دوم، بسیار پر نوسان بوده، اما در سایر دوره‌ها از نوسان و طول دوره سیکل‌ها کاسته شده است.
- ۹- در میان زیربخش‌ها، سیکل کشاورزی و خدمات از نظر روند کلی و دوران رونق و رکود، با سیکل تولید ناخالص مشابه بوده، اما سیکل صنایع و معادن، و نفت متفاوت بوده است.
- ۱۰- در بین اجزای تولید و هزینه ناخالص داخلی، میان بخش صنایع و معادن و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص؛ از نظر روند کلی، میزان نوسان و طول دوره رونق و رکود؛ تشابه و همسویی زیادی وجود دارد.
- ۱۱- مقایسه رشد شاخص ضمنی با تورم نشان می‌دهد که شاخص ضمنی از نوسان بیشتری برخوردار بوده؛ که عمدتاً ناشی از نوسانات قیمت نفت و شاخص قیمت واردات است. این امر مؤید آنست که در انجام برنامه ریزی‌های اقتصادی، در نظر گرفتن نرخ تورم مناسب‌تر می‌باشد.
- ۱۲- به دلیل کاهش سه‌م مصرف بخش خصوصی در طول برنامه‌ها، از سه‌م

هزینه‌های مصرفی کل کاسته شده است؛ لیکن سهم مصرف بخش دولتی همچنان بالا مانده است؛ که با توجه به سیاست‌های اتخاذ شده جهت کاهش حجم دولت، بیانگر عدم موفقیت در واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی و کاهش هزینه‌های مربوطه بوده است.

۱۳- نرخ رشد پس‌انداز در سال‌های اخیر به طور کامل با رشد تولید و درآمد ملی کشور متناسب نبوده، و روندی کاهنده داشته است. علاوه بر آن، رفتار مصرفی جامعه از ثبات بیشتری نسبت به پس‌انداز ملی برخوردار بوده است. این امر بدین معنی است که مصرف جامعه به دلیل لختی و اینرسی فراوان، با هر تغییر موقت در درآمد ملی، به کندی تعدیل می‌شود.

۱۴- نامطلوب بودن وضعیت بورس اوراق بهادار کشور در سال‌های گذشته، از عوامل اصلی عدم تجهیز مناسب پس‌انداز و تشکیل سرمایه در جامعه محسوب می‌گردد. در حالی که بهبود بازارهای مالی، مطمئن‌ترین راه افزایش سطح پس‌انداز جامعه می‌باشد. در این میان، تورم، نرخ پایین رشد اقتصادی و درآمد سرانه نامطلوب هم از دیگر عوامل مؤثر بوده‌اند.

۱۵- در طول برنامه‌های توسعه، تشکیل سرمایه، روند رو به رشد داشته است، اما در ابتدا به دلیل بی‌ثباتی بوجود آمده در اقتصاد و بحران ارزی، و در سال‌های اخیر، عمدتاً "به جهت ریسک بالای سرمایه‌گذاری - ناشی از مسائل سیاسی و تحریم‌های اقتصادی - از روند رشد بلند مدت سرمایه‌گذاری کاسته شده است.

۱۶- با بهبود اوضاع اقتصادی، اصلاح قانون مالیات‌ها و ایجاد حساب ذخیره ارزی، و همچنین بهبود نسبی شرایط سیاسی کشور در سال‌های برنامه سوم توسعه، رشد متوسط تشکیل سرمایه در زیر بخش‌های صنایع و معادن، خدمات و کشاورزی بهبود یافته و با کاهش نوسانات آن، تشکیل سرمایه کل نیز تا حدودی روند باثباتی یافته است.

۱۷- نسبت تشکیل سرمایه به تولید ناخالص در ایران، در مقایسه با کشورهای منطقه نسبتاً "بالا بوده، و بیشتر از میانگین این نسبت در میان ۲۰ کشور

مورد بررسی در منطقه است. لیکن، مقایسه روند نسبت مزبور با ارقام رشد واقعی، بیانگر پایین بودن بهره وری سرمایه گذاری در ایران می باشد.

۱۸- در طول دوره مورد بررسی، نسبت تشکیل سرمایه به پس انداز ناخالص، حدود ۸۶ درصد بوده است. به عبارت دیگر بخشی از پس انداز مازاد بر تشکیل سرمایه ناخالص که حاصل فعل و انفعال داخلی اقتصاد کشور با دنیای خارج می باشد، به شکل خروج سرمایه یا ورود کالا نمود یافته است.

۱۹- در میان زیر بخش های تولید ناخالص، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به بخش صنایع و معادن با بخش خدمات بوده، و کمترین ضریب مربوط به بخش صنایع و معادن با کشاورزی می باشد. پایین بودن این ضریب می تواند ناشی از استفاده از روش های سنتی در بخش کشاورزی، و عدم توسعه کشاورزی مکانیزه و صنعتی در کشور باشد. بخش نفت با همه بخش های اقتصادی از ضریب همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بوده است.

۲۰- همبستگی پسین و پیشین اجزای تولید نیز حاکی از آن است که میان بخش های صنایع و نفت، با خدمات؛ و بخش های صنایع و نفت، یک الگوی مشابه وجود داشته است. به گونه ای که نوسانات بخش نفت در دوره های قبل، بخشی از تغییرات در بخش های صنایع و خدمات را تبیین نموده، که در بخش صنایع عمدتاً می تواند در زیر بخش ساختمان می باشد.

۲۱- ضریب همبستگی رشد اقتصادی با رشد درآمدهای نفتی نیز بسیار بالا بوده؛ و اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی از شاخصه های اصلی اقتصاد کشور است.

۲۲- به دلیل ارزان بودن قیمت انرژی، مصرف آن در کشور، در مقایسه با سایر کشورهای جهان بسیار بالا بوده، و در رتبه دوم قرار دارد در مجموع، سرانه مصرف انرژی برای تولید یک واحد از تولید ناخالص، روند افزایشی داشته است. با افزایش قیمت جهانی نفت، وضعیت مزبور وخیم تر شده و موجب

عدم کارایی و صرفه اقتصادی تولید در برخی صنایع کشور گردیده است. ۲۳- رشد اجزای واردات و صادرات از نوسان فراوانی برخوردار بوده و سهم صادرات غیر نفتی از GDP در طول دوره، از ۶ درصد فراتر نرفته است. روند کاهشی نسبت مزبور در طول برنامه‌ها بیانگر عدم موفقیت سیاست‌های اتخاذ شده، جهت تشویق و توسعه صادرات و رونق بخش‌های تولیدی می‌باشد.

۲۴- حمایت از بخش صنعت در افزایش ارزش صادرات کالاهای صنعتی موثر بوده است، لیکن رشد آن عمدتاً "به دلیل بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در حوزه نفت و محصولات پتروشیمی؛ و نیز افزایش قیمت جهانی فرآورده‌های نفتی و محصولات فولادی بوده است. ۲۵- کاهش سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای، و افزایش ورود مواد اولیه، در سال‌های اخیر، عمدتاً ناشی از اعمال تحریم‌های اقتصادی و تمایل تولیدکنندگان جهت نگهداری مقادیر بیشتر مواد اولیه، جهت تداوم تولید و تامین تقاضای داخلی بوده است. رشد پایین تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و نسبت بالای تغییر در موجودی انبار به GDP در سال‌های اخیر، مؤید این روند می‌باشد.

۲۶- روند رو به کاهش ارزش واحد کالاهای صادراتی در مقابل کالاهای وارداتی، موجب کاهش رابطه مبادله به زیان ایران گردیده؛ در حالی که تقویت بنیان‌های تولید و بخش‌های مولد، مستلزم بهبود قدرت رقابت و رابطه مبادله می‌باشد.

۲۷- نسبت باز بودن اقتصاد (مجموع واردات و صادرات، به GDP) روندی پرنوسان داشته است. گرچه روند آن در سال‌های اخیر صعودی بوده، لیکن در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار پایین می‌باشد.

بخش های اقتصادی

الف) سازماندهی تولید

- ۱- در مقایسه با سایر کشورها، سهم شرکتی اقتصاد پایین است.
- ۲- عدم توجه به شرکت های بزرگ که توانایی ایجاد برندهای معتبر در سطح جهانی را دارا هستند.
- ۳- کاهش سطح اعتماد در جامعه، که مبین پایین بودن سرمایه اجتماعی در جامعه می باشد.
- ۴- تلاقی منافع، و معضلات حقوقی مربوط به شراکت، در بخش تولید و عرضه محصول.
- ۵- پایین بودن سهم شرکت های غیرمالی و مالی، در تولید ارزش افزوده بخش های تولیدی.
- ۶- عدم توجه به نام تجاری یا برند

ب) نیروی انسانی و بازار کار

- ۱- عدم توجه به آموزش و تربیت نیروی انسانی، متناسب با تحول ساختار جمعیتی کشور و نیازهای بازار کار.
- ۲- محدودیت های مربوط به قوانین و مقررات کار.
- ۳- پرداخت های قابل توجه کارفرمایان و تولید کنندگان به سازمان تامین اجتماعی، بابت سهم کارفرما از حق بیمه.

ج) بهره وری عوامل تولید

بررسی شاخص بهره وری کل عوامل تولید، حاکی از آن است که علی رغم سرمایه گذاری های جدید (سرمایه سرانه)؛ مدیریت منابع کارآمد و مفید نبوده؛ و رشد اقتصادی صرفاً "به نهادهای تولید متکی می باشد. (متوسط رشد سالانه بهره وری کل عوامل تولید، موجودی سرمایه و نیروی کار شاغل طی دوره مزبور (۸۵-۱۳۶۸) به ترتیب ۹-، ۳/۲ و ۳/۴ درصد است).

د) موانع فرهنگی تولید

مولفه های فرهنگی مانع رشد اقتصادی و توسعه صنعتی عبارتند از:

۱- ارجحیت منافع فردی در مقابل منافع ملی

۲- فقدان حساسیت نسبت به هزینه‌ها

۳- مصرف گرایی و اسراف

۴- فقدان همکاری و تعاون

۵- فقدان نظم و برنامه ریزی

۶- محافظه کاری

۷- عدم توجه به ارزش زمان

۸- فقدان شایسته سالاری

ذ) ریسک های کلان اقتصادی و کیفیت سرمایه گذاری

۱- علی رغم حجم بالای نقدینگی در اقتصاد ایران، جذاب تر بودن سود در عملیات سوداگرانه در بازارهای طلا، ارز، مسکن و ... مانع از آن شده که نقدینگی در بخش های مولد به کار گرفته شود.

۲- گرچه آمار تسهیلات اعطایی بانک ها، نشانگر تخصیص منابع مالی به بخش های تولیدی می باشد، لیکن شواهد عینی حکایت از خروج منابع از این بخش، به سوی سایر بخش ها دارد.

۳- سیاست های پولی مادامی که منجر به کاهش نقدینگی و تورم حاصل از آن نگردد، ریسک هایی که از این بابت متوجه اقتصاد کشور است را تخفیف نخواهد داد.

۴- پایداری تورم که از عدم تعادل های اقتصاد کلان نشات می گیرد:

الف- در بعد عرضه، ناشی از ساختار هزینه ای بنگاه ها، پایین بودن بهره‌وری کل اقتصاد، درجه وابستگی به واردات و ساختار نیروی کار می باشد.

ب- در بعد تقاضا نیز، تورم، حاصل فشار تقاضای ایجاد شده از ناحیه بخش های مختلف می باشد.

- ۵- تزییقات سیاسی و اقتصادی تحمیل شده از خارج بر اقتصاد کشور و بی ثباتی اقتصادی ناشی از آن.
- ۶- رشد بالای نقدینگی یکی از عوامل موثر بر میزان تورم در اقتصاد کشور بوده است.
- ۷- پایین بودن بهره‌وری کل عوامل تولید و به خصوص بهره‌وری سرمایه.
- ۸- بی ثباتی فضای کسب و کار و شرایط نامطلوب حاکم بر آن.
- ۹- ساختار نامناسب بازار کار.
- ۱۰- درجه بالای وابستگی به واردات.
- ۱۱- عدم توسعه مالی مناسب و شرایط رکود حاکم بر بازار سرمایه.
- ۱۲- ساختار هزینه‌ای نامناسب واحدهای تولیدی.
- ۱۳- عدم اطمینان و امنیت خاطر فعالان در بخش صادرات و واردات کالاها، و خدمات.

و) عمده‌ترین ریسک‌های سیاسی

- ۱- ریسک مصادره، ملی کردن و ضبط اموال.
- ۲- ریسک‌های مربوط به ارز (-ریسک محدودیت ورود و خروج ارز -ریسک نوسانات نرخ ارز).
- ۳- ریسک مالیات؛ اعم از مالیات بر درآمد، مالیات بر خرید مواد اولیه، مالیات بر سود، حقوق و عوارض گمرکی.
- ۴- ریسک نیروی کار (کمبود نیروی کار ماهر، محدودیت ورود نیروی کار خارجی، امکان ارتباط با اتحادیه‌های کارگری).
- ۵- ریسک محدودیت یا ممنوعیت صادرات، در پروژه‌هایی که با هدف صادرات اجرا می‌شوند.
- ۶- ریسک فقدان سیستم حقوقی و قانونی موثر در کشور برای اجرای قراردادهای، با توجه به اعمال نفوذ گروه‌ها و افراد ذینفع.

ر) موانع تأمین مالی بخش واقعی

۱) موانع تأمین مالی بخش نفت و گاز:

- ۱- محدودیت‌های مربوط به اصول ۴۴، ۸۱، ۸۲ و ۱۳۹ قانون اساسی
- ۲- ۱- ریسک بالا در کشور.
- ۳- ۱- تحریم‌ها (قانون داماتو و ...) و نیز تحریم‌های مرتبط با مساله هسته‌ای.
- ۴- ۱- قرار گرفتن ایران در منطقه‌ای پر تنش.
- ۵- ۱- فقدان حمایت قانونی، و عدم شفافیت و ثبات قوانین و مقررات.
- ۶- ۱- فقدان حقوق انحصاری و امتیازات مکفی برای سرمایه‌گذار خارجی مطابق بند (ب) ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی.
- ۷- ۱- فقدان آمار و اطلاعات موثق در زمینه تجارت و صنایع کشور.
- ۸- ۱- انحصار دولتی و فضای نامساعد کسب و کار (رتبه ایران بین ۱۷۸ کشور ۱۳۵ بوده و سنگاپور رتبه نخست را دارد)

۲) موانع تأمین مالی در بخش کشاورزی:

- ۱- ۲- فقدان امنیت سرمایه‌گذاری و بازدهی پایین سرمایه نسبت به سایر بخش‌ها.
- ۲- ۲- فقدان توسعه زیرساخت‌های بخش کشاورزی و اقتصادی نبودن تولید در این بخش.
- ۳- ۲- فقدان سیاست‌های تشویقی مناسب برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی.
- ۴- ۲- محدودیت و عدم توسعه نهادها و بازارهای مالی؛ و در مقابل رشد بازارهای غیررسمی مالی.
- ۵- ۲- سرمایه‌گذاری ناکافی دولت در بخش کشاورزی.

۶-۲-عدم دسترسی به سرمایه‌های خارجی به علت غیرشفاف بودن قوانین و ریسک بالای کشور.

۷-۲-فقدان مکانیزم تجهیز سرمایه‌های - هرچند اندک - فعالان این بخش.

۸-۲-فصلی بودن چرخه تجاری کشاورزی و وجود شوک‌های زیاد قیمتی و درآمدی.

۹-۲-غیرتجاری بودن فعالیت‌های کشاورزی.

۱۰-۲-موانع و معضلات نظام بانکی کشور در تامین منابع مالی بخش کشاورزی.

۱-۱۰-۲-بانک‌های تجاری: (نا آشنایی با محیط کشاورزی و نحوه فعالیت در آن، عدم گستردگی شعبات در روستاها و شهرستان‌های کوچک، فقدان بدنه کارشناسی لازم جهت ارزیابی طرح‌های کشاورزی، وجود ریسک بالا در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها، در اختیار نداشتن وثیقه قابل قبول در روستاها نسبت به شهرها)

۲-۱۰-۲-بانک کشاورزی: (تمرکز بر بخش کشاورزی (کاملاً تخصصی) و معضلات تجهیز منابع با جهت‌گیری توسعه‌ای (غیرتجاری بودن)، مالکیت دولت، مشکلات ناشی از حوادث طبیعی (زلزله، سیل، سرمازدگی، خشکسالی و...)، افزایش معوقه‌ها و فشار بر منابع بانکی، محدودیت‌های قانونی، ضعف رویه‌های اجرایی، دخالت دولت، محدودیت در گسترش شعب به دلیل پایین بودن بازدهی شعب روستایی)

۱۱-۲-بازدهی اندک سرمایه در بخش کشاورزی، و وجود مقررات و محدودیت‌های قانونی و دولتی که فرآیند تصمیم‌گیری بانک‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد، و نیز افزایش بدهی‌ها و عدم پایبندی دولت به تعهدات خود نسبت به بانک‌ها، و مشکل تامین اعتبار صندوق بیمه کشاورزی.

۳) موانع تأمین مالی در بخش صنعت و معدن:

- ۳-۱- بالا بودن مطالبات معوق نظام بانکی، از بخش صنعت و معدن.
- ۳-۲- سودآوری بیشتر سایر بخش‌های اقتصادی، و خروج منابع از بخش صنعت و معدن به سمت سایر بخش‌ها.
- ۳-۳- عدم توسعه بازار سرمایه و اتکای صرف به منابع بانکی، و محدودیت ابزارها و خدمات مالی.
- ۳-۴- ضعف دانش در مدیریت جریان نقدینگی واحدهای تولیدی.
- ۳-۵- نامساعد بودن فضای کسب و کار.
- ۳-۶- دسترسی شرکت‌های بزرگ صنعتی به ویژه شرکت‌های بخش عمومی به تسهیلات بانکی و منابع بودجه‌ای، و محروم ماندن سایر بنگاه‌ها، با توجه به محدودیت منابع بانکی.
- ۳-۷- سهم بالای بخش دولتی در اقتصاد، نفوذ مدیریت شرکت‌ها و صنایع بزرگ، تسهیلات تکلیفی، توانایی تودیع سپرده و وثیقه و حمایت‌های دولت از شرکت‌های وابسته.
- ۳-۸- فقدان انگیزه کافی بنگاه‌های صنعتی جهت تأمین منابع مالی از طریق بازار سرمایه، به دلیل پایین بودن نرخ تسهیلات بانکی و بالا بودن هزینه تأمین مالی از بازار مذکور.
- ۳-۹- مشکلات تأمین مالی از طریق منابع خارجی با توجه به تحریم‌های اقتصادی غرب.

۴) موانع تأمین مالی بخش خدمات:

- ۴-۱- نگرش منفی جامعه به بخش خدمات، به عنوان بخشی غیر تولیدی.
- ۴-۲- فقدان تعریف استانداردهای کیفیت در بخش خدمات، و معضلات ارزیابی طرح‌های بخش خدمات توسط بانک‌ها.
- ۴-۳- محدودیت حضور سرمایه‌گذاران خارجی در این بخش، با توجه به ناپایداری قوانین و مقررات.

۴-۴- عدم توسعه صنعت توریسم و صنایع وابسته، و ریسک بالای سرمایه گذاری در این صنعت.

۴-۵- فقدان زیرساخت های لازم در زمینه صادرات و واردات خدمات.

۴-۶- مشکلات ناشی از تحریم ها؛ در خدمات مالی، بیمه و حمل و نقل - بویژه حمل و نقل هوایی.

۴-۷- عدم رعایت حقوق کپی رایت و به تبع آن بازدهی پایین سرمایه گذاری در این حوزه.

۴-۸- وجود انحصارات دولتی و فضای غیر رقابتی در اغلب زیر بخش های خدمات.

۴-۹- اتکا مالی بخش خدمات به دولت، و محدودیت های بودجه ای دولت. (این در حالی است که بخش خصوصی با رقابت سالم، و انعطاف بیشتر در تصمیم گیری و صرفه جویی در هزینه ها، و خلاقیت، قادر است نقش فعال تری در تامین مالی بخش خدمات، ایفا نماید)

۴-۱۰- حساب بخش خدمات، در حساب جاری موازنه پرداخت ها برای سال های متمادی منفی، و همچنان رو به کاهش است. این روند گویای عقب ماندگی های اساسی این بخش در حوزه های مختلف است. بدیهی ست در صورتی که زمینه مناسب جهت ورود بخش خصوصی و سرمایه گذاری خارجی فراهم گردد؛ علاوه بر تامین مالی، در زمینه اشتغال و درآمدزایی نیز این بخش شاهد تغییرات اساسی خواهد بود.

موانع تأمین مالی بخش واقعی در سطح کلان

۱- نظام مالی ناکارآمد: در نظام مالی کشور تخصیص منابع با سرعت پائین، و هزینه معاملاتی بالا صورت می گیرد. ارائه خدمات مالی به متقاضیان تبعیض آمیز است، و ریسک های سیستماتیک سیاسی و حقوقی وجود دارد. همچنین اطلاعات مورد نیاز به صورت غیرشفاف و با هزینه بالا در دسترس قرار می گیرد. در نظام مالی ناکارآمد، قیمت وجوه به درستی تعیین نمی شود. علاوه بر این، خدمات مالی از تنوع و تعدد کافی برخوردار نمی باشد. لذا نظام مالی تحت این شرایط در تأمین هزینه های بخش واقعی ناتوان است.

- ۲- تسلط بازار پول بر بازار سرمایه، همراه با انحصاری و دولتی بودن بازار پول: این ویژگی سبب شده است که بخش عمده‌ای از پس‌اندازهای خصوصی نتواند از طریق بازارهای مالی رسمی در فرایند فعالیت‌های تولیدی جریان یابد.
- ۳- سطح پائین خدمات مالی و سیستم ناکارآمد حقوقی و قانونی، در اجرای قراردادهای مالی، و همچنین هزینه‌های معاملاتی بالا، موجب افزایش هزینه تأمین مالی بخش واقعی شده است.
- ۴- محدودیت برخی ابزارهای مالی و قراردادهای در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی.
- ۵- فقدان انگیزه بانک‌ها و موسسات مالی در تأمین منابع بلند مدت طرح‌های سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های اقتصادی.
- ۶- محدودیت امکانات فنی و کارشناسی بانک‌ها برای اجرای عقود مشارکتی؛ (عقود مشارکتی مستلزم نظارت کافی و ارزیابی موثر طرح‌های اقتصادی است. این امر با توجه به گسترش و تنوع آن‌ها، نیازمند به‌کارگیری کارشناسان و متخصصان مختلف می‌باشد، که برای بانک‌ها در کوتاه مدت مقدور نیست؛ و در هر صورت هزینه نیروی انسانی بانک را افزایش می‌دهد).
- ۷- بالا بودن ریسک‌ها در عقود مشارکتی که عمدتاً برای تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرند، از دیگر محدودیت‌های تأمین مالی بخش واقعی است.
 - ریسک نکول یا عدم بازپرداخت، قابل تعریف نیست.
 - ریسک‌های سیستماتیک (سیاسی و حقوقی) در عملکرد عقود موثر بوده، و موجب افزایش بازده مورد تقاضای سرمایه‌گذاران و کاهش خالص ارزش کنونی طرح‌ها می‌گردد.
 - امکان اخذ وثیقه‌ها خارج از طرح وجود ندارد.
 - ریسک بالا در بخش صنعت و فعالیت‌های صنعتی.
 - ریسک سوء مدیریت دریافت کنندگان تسهیلات.
 - ریسک نرخ بهره / سود مورد انتظار.

۸- فقدان موسسات بیمه‌ی سپرده و اعتبار، جهت پوشش ریسک‌های مترتب بر سپرده‌ها و عدم بازپرداخت تسهیلات؛ که تسهیلات معوقه را به یک چالش عمده برای بانک‌ها تبدیل کرده و ادامه تامین مالی بخش واقعی را با محدودیت مواجه نموده است.

۹- فقدان موسسات رتبه‌بندی: این موسسات نقش اساسی در افزایش شفافیت، ارتقای پایگاه اطلاعات مالی و اقتصادی و نهایتاً "مدیریت ریسک دارا می‌باشند.

۱۰- فقدان بانک‌های سرمایه‌گذاری (شرکت تأمین سرمایه): این بانک‌ها به عنوان واسطه مالی میان شرکت‌های انتشار دهنده اوراق بهادار و سرمایه‌گذاران، و همچنین تضمین فروش اوراق بهاداری که برای نخستین بار توسط شرکت‌ها منتشر می‌شود، کمک شایانی به تأمین مالی ناشران، از سوی بازار سرمایه می‌کنند.

۱۱- عدم رعایت اصل تفکیک مسئولیت مدیران اجرایی (کسانی که ریسک‌ها را به وجود می‌آورند) از مسئولیت مدیران کنترل کننده ریسک (کسانی که ریسک را مدیریت می‌کنند) در سطوح مختلف. به عنوان مثال، مدیر عامل بانک، رئیس هیات مدیره است.

۱۲- در بازار پول و سرمایه ایران، دامنه‌ی متنوعی از ابزارها وجود ندارد، و همچنان شکل سنتی انواع سپرده‌ها در نظام بانکی، و نیز اوراق سهام در بازار سرمایه، ابزارهای اصلی را در نظام مالی کشور تشکیل می‌دهند. این محدودیت همراه با نارسایی‌های مختلف ساختاری در سیستم بانکی کشور، ناکارآمدی بخش مالی را موجب شده، و به تبع آن، بخش واقعی نیز در فرایند توسعه خود با موانعی مواجه گردیده است.

۱۳- عدم توسعه بازار سرمایه، و عدم شکل‌گیری دقیق بازار اولیه، تأمین مالی کارآفرینان را با مشکل مواجه نموده است. بورس اوراق بهادار تهران، نوعی بازار ثانویه می‌باشد؛ لذا سرمایه‌گذاران و شرکت‌هایی که قبل از سرمایه‌گذاری و انجام تولید باید نیازهای مالی خود را از این محل تأمین نمایند، با محدودیت مواجه هستند. این وضعیت مانعی جهت شکل‌گیری اختراعات و نوآوری‌ها، و افزایش سهم شرکت‌ها در اقتصاد ایران است.

۱۴- محدودیت در توسعه نهادهای مالی: نرخ‌های بهره بازار پول، نقش عمده‌ای در توسعه نهادها و ابزارهای بازار سرمایه، و همچنین حوزه‌های مالی دیگر از جمله بازارهای مشتقه آتی ایفا می‌کنند. نرخ بهره، نه تنها در توسعه بازار مالی و مالا^۱ تامین مالی بخش واقعی نقش اساسی دارد، بلکه در استراتژی‌های مدیریت ریسک نیز مهم است.

۱۵- انحصار دولتی و نامساعد بودن فضای کسب و کار. (Doing Business): بر اساس گزارش بانک جهانی، رتبه ایران در اخذ اعتبار بین ۱۷۸ کشور ۶۸ می‌باشد. این رتبه اگرچه نسبت به سایر مولفه‌های فضای کسب و کار نسبتاً بهتر می‌باشد، اما همچنان از موانع تأمین مالی بخش واقعی تلقی گردیده، و لازم است فرآیند اخذ اعتبار تسهیل شود.

محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی

همانگونه که پیشتر نیز اشاره گردید برخی موانع و تنگناها بر سر راه تامین سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد، که مجدداً به آن‌ها اشاره می‌گردد:

- ۱- ریسک بالای کشور و کاهش رتبه اعتباری ایران در جهان،
- ۲- محدودیت‌های اصول ۴۴، ۸۱، ۸۲ و ۱۳۹ از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
- ۳- تحریم‌های مالی و بانکی و قطع ارتباط بانک‌ها با نظام مالی آمریکا،
- ۴- تحریم‌های مرتبط با قانون داماتو و مساله هسته‌ای،
- ۵- قرار گرفتن ایران در منطقه پر تنش خاورمیانه،

نتیجه گیری:

با توجه به بررسی های انجام شده موانع متعدد ساختاری، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... بر سر راه تولید ملی قرار دارد که نوشتار فوق متکفل تبیین مهم ترین آن ها بوده است. چنانچه این موانع و معضلات بطور سیستماتیک و جدی مرتفع نشوند؛ ارتقاء سطح تولید ملی و به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی در محدوده شعار و ایده باقی خواهد ماند.

منابع و مأخذ:

بانک مرکزی ج.ا.ا، اداره حساب های اقتصادی، آمار حساب های ملی ایران. بهرامی، جاوید و اصلانی، پروانه، بررسی عوامل مؤثر بر پس انداز بخش خصوصی در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۳. مقایسه وضعیت ایران با کشورهای پیرامونی، بانک مرکزی ج.ا.ا، اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی، ۱۳۸۶. رویکرد تبیین پویایی های تورم، بانک مرکزی ج.ا.ا، اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی. 5-IRAN Growth Diagnostic Study Report, The World Bank, 2000